





ویژه نامه

شهادت امام جعفر صادق علیه السلام



امام صادق آل محمد علیه السلام

نام، نسب و القاب

جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابوطالب، ششمین امام مذهب شیعه امامی [جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ۱۳۹۳ش، ص ۳۹۱] و پنجمین امام مذهب اسماعیلیه است. [صابری، تاریخ فرق اسلامی، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ص ۱۱۰، ۱۱۹] پدر او امام محمد باقر علیه السلام و مادرش ام فروه دختر قاسم پسر محمد بن ابوبکر بود. [مفید، الارشاد، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۱۸۰] برطبق نقل کشف الغمه از عالمی سنی، از آنجا که نسب مادر امام صادق علیه السلام هم از پدر و هم از مادر به ابوبکر می رسید، امام صادق گفته است: «لَقَدْ وَكَلَنِي أَبُو بَكْرٍ مَرَّتَيْنِ» (من دو بار از ابوبکر متولد شده ام)؛ اما برخی از جمله علامه شوشتری و محمدباقر مجلسی، این روایت را جعلی می دانند. [مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۶۵۱، ۶۵۲]

کنیه مشهور امام صادق علیه السلام، ابا عبدالله (ناظر به دومین فرزندش عبدالله افطح) است. با کنیه های ابواسماعیل (ناظر به فرزند ارشدش، اسماعیل) و ابوموسی (ناظر به دیگر فرزندش امام موسی کاظم علیه السلام) نیز از او نام برده اند. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۸۱]

مشهورترین لقب او «صادق» است. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۸۱] برطبق روایات، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این لقب را به او داده است تا از جعفر کذاب تمایز یابد؛ صدوق، کمال الدین، ۱۳۵۹ش، ص ۳۱۹؛ «القاب الرسول و عترته»، ص ۶۰، ۶۱؛ بحرانی، حلیة الابرار، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۱] اما برخی گفته اند امام صادق علیه السلام به جهت پرهیز از شرکت در قیام های عصر خود، صادق لقب گرفته است؛ چراکه در آن زمان به کسی که مردم را گرد خود جمع و به قیام برضد حکومت تحریک می کرد، کذاب (دروغگو) می گفتند. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۸۱] در همان دوران ائمه این لقب برای امام صادق علیه السلام به کار می رفته است. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۸۱]

برخی از علماء اهل سنت چون مالک بن انس، احمد بن حنبل و جاحظ نیز از او با این لقب نام برده اند. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۸۱]

زندگی نامه

امام صادق علیه السلام در ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ق در مدینه به دنیا آمد و در سال ۱۴۸ق در ۶۵ سالگی همان جا به شهادت رسید. [مفید، الارشاد، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۱۸۰] برخی ولادتش را در سال ۸۰ق نوشته اند. [اربلی، کشف الغمه، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۶۹۱] همچنین ابن قتیبة الدینوری وفاتش را در سال ۱۴۶ق ثبت کرده است [ابن قتیبة الدینوری، المعارف، ۱۹۹۲م، ص ۲۱۵] که آن را خطای در ضبط می دانند. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۸۷] در خصوص روز و ماه شهادت امام صادق علیه السلام اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه مشهور علماء متقدم شیعه این است که وی در ماه شوال درگذشته است؛ اما در منابع متقدم روز شهادت نیامده است. با این همه منابع متأخر ۲۵ شوال را روز شهادت دانسته اند. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۸۷] در مقابل دیدگاه مشهور، در بحار الانوار به نقل از کتاب مصباح کفعمی آمده است که امام صادق علیه السلام در ۱۵ رجب شهید شده است، اما محققان کتاب این مطلب را در آن نیافته اند. [مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۲]

همسران و فرزندان

شیخ مفید برای امام صادق علیه السلام ده فرزند و چند همسر برشمرده است: [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۰۹]

حمیده دختر صاعد یا صالح فرزندان کاظم علیه السلام، اسحاق و محمد فاطمه دختر حسین بن علی بن حسین علیه السلام فرزندان عبدالله افطح (عبدالله پس از درگذشت پدر ادعای امامت کرد و پیروان او فطحیه نام گرفتند) [شهرستانی، ملل و نحل، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۴۸]. اسماعیل، (اسماعیل در زمان حیات امام صادق علیه السلام درگذشت ولی عده ای مرگ او را نپذیرفتند و فرقه اسماعیلیه را تشکیل دادند). [اشعری، المقالات و الفرق، ۱۳۶۰ش، ص ۲۱۳، ۲۱۴]. و ام فروه همسران دیگر عباس، علی، اسماء و فاطمه (به گفته شیخ مفید هر یک از این فرزندان از یک کنیزام ولد بوده است). [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۰۹]

خلافت در دوره امام صادق علیه السلام

حیات امام صادق علیه السلام، با خلافت ده خلیفه آخر بنی امیه از جمله عبدالملک بن مروان، ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک و هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید، یزید بن ولید، ابراهیم بن ولید، مروان بن محمد و دو خلیفه نخست عباسی، سفاح و منصور دوانیقی هم زمان بود. [شهیدی، زندگانی امام صادق، ۱۳۷۸ش، ص ۴] او در سفر امام باقر به شام که به درخواست هشام بن عبدالملک صورت گرفت، همراه پدر بود. [شهیدی، زندگانی امام صادق، ۱۳۷۸ش، ص ۶] در امامت امام صادق علیه السلام، پنج خلیفه آخر اموی یعنی از هشام بن عبدالملک به بعد و سفاح و منصور خلفاء عباسی حکومت کردند. [شهیدی، زندگانی امام صادق، ۱۳۷۸ش، ص ۴۷] البته این آزادی تنها در ۱۳۷۸ش، ص ۴] در این دوران حکومت بنی امیه ضعیف و سرانجام سرنگون شد و پس از آن بنی عباس روی کار آمدند. ضعف و عدم نظارت حکومت ها فرصت مناسبی برای امام صادق علیه السلام جهت انجام فعالیت های علمی فراهم کرد. [شهیدی، زندگانی امام صادق، ۱۳۷۸ش، ص ۴۷] البته این آزادی تنها در دهه سوم قرن دوم قمری، وجود داشت و پیش از آن در زمان بنی امیه و پس از آن به جهت قیام نفس زکیه و برادرش ابراهیم فشارهای سیاسی فراوانی بر ضد امام صادق علیه السلام و پیروانش وجود داشت. [جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ۱۳۹۳ش، ص ۴۳۵]

نصوص امامت

از دیدگاه شیعه، امام از جانب خدا تعیین می شود و از راه های شناخت او، نص (تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام قبلی به امامت امام پس از خود) است. [فاضل مقداد، ارشاد الطالبین، ۱۴۰۵ق، ص ۳۳۷] کلینی در کتاب کافی روایاتی را به منظور اثبات امامت امام صادق علیه السلام مطرح کرده است. [کلینی، کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰۶، ۳۰۷]

سازمان وکالت

به عللی چون پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف اسلامی، دشوار بودن ارتباط با شیعیان به علت فشارهای سیاسی و عدم دسترسی شیعیان به امام صادق علیه السلام، وی مجموعه ای از نمایندگان را در مناطق مختلف اسلامی تعیین کرد که از آن با نام سازمان وکالت یاد می شود. [جباری، سازمان وکالت ائمه، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۴۷-۵۰] این سازمان وظایفی چون دریافت وجوه شرعی مانند خمس، زکات، نذر و هدایای شیعیان و تحویل آنها به امام، رسیدگی به مشکلات شیعیان، ایجاد ارتباط میان ائمه و شیعیان و پاسخ به سؤالات شرعی آنها را برعهده داشت. [جباری، سازمان وکالت ائمه، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۲۸۰، ۳۲۰، ۳۲۲] سازمان وکالت در زمان ائمه بعد گسترش یافت و در غیبت صغرا به وسیله چهار نایب امام زمان به اوج رسید و با آغاز دوره غیبت کبرای امام زمان و مرگ وکیل چهارم او علی بن محمد سمیعی پایان یافت. [جباری، بررسی



ویژه نامه

شهادت امام جعفر صادق علیه السلام



تطبیقی سازمان دعوت عباسیان و سازمان وکالت امامیه (مراحل شکل گیری و عوامل پیدایش)، قم، پاییز ۱۳۸۹ش، ص ۱۰۴-۷۵]

برخورد با غالیان

در زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فعالیت غلات، افزایش یافت. [جعفریان، حیات فکری-سیاسی امامان شیعه، ۱۳۹۳ش، ص ۴۰۷] آنها مقامی ربوبی برای ائمه قائل بودند یا آنها را پیامبر می دانستند. امام صادق علیه السلام اندیشه غلو را به شدت رد و مردم را از همنشینی با غالیان نهی می کردند. [جعفریان، حیات فکری-سیاسی امامان شیعه، ۱۳۹۳ش، ص ۴۰۷، ۴۰۸] و آنان را فاسق و کافرو مشرک می دانستند. [کشی، رجال کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۰۰]

در حدیثی از وی در خصوص غالیان به شیعیان توصیه شده است: «با آنها همنشینی نکنید، غذا نخورید، نیاشامید و مصافحه نکنید». [کشی، رجال کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۹۷] امام صادق علیه السلام در خصوص جوانان به شیعیان چنین هشدار داد: «مراقب باشید غلات جوانانتان را فاسد نکنند. آنها بدترین دشمنان خدا هستند؛ خدا را کوچک می کنند و برای بندگان خدا ربوبیت قائل می شوند.» [شیخ طوسی، امالی، ۱۴۱۴، ص ۶۵۰]

فعالیت علمی

در دوران امامت امام صادق علیه السلام، به علت ضعف حکومت اموی، آزادی بیشتری برای ابراز عقیده به وجود آمد و بحث های علمی بسیاری در موضوعات مختلف درگرفت. [شهیدی، زندگانی امام صادق، ۱۳۸۴ش، ص ۴۷-۶۰] این آزادی علمی و دینی که برای کمتر امامی از ائمه دوازده گانه وجود داشت، سبب شد تا شاگردان امام آزادانه در مباحث علمی شرکت کنند. [جعفریان، حیات فکری-سیاسی امامان شیعه، ۱۳۹۳ش، ص ۴۳۵، ۴۳۶] فضای باز علمی سبب شد از امام صادق علیه السلام روایات فراوانی در زمینه های گوناگون فقه، کلام... نقل شود. [شهیدی، زندگانی امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴ش، ص ۶۱] به گفته ابن حجر هیتمی، مردم از او دانش های فراوان نقل می کردند و آوازه او به همه جا رسیده بود. [ابن حجر هیتمی، الصواعق المحرقة، چاپ قاهره، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م، ص ۵۵۱] ابوبحر جاحظ هم نوشته است دانش و فقه او دنیا را پر کرده بود. [جاحظ، رسائل الجاحظ، ۲۰۰۲م، ص ۱۰۶] حسن بن علی و ثناء هم گفته است که نهصد نفر را در مسجد کوفه دیده است که از امام صادق علیه السلام حدیث نقل می کردند. [نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۳۹]

مذهب جعفری

در میان امامان شیعه، چه در اصول دین و چه در فروع دین، بیشترین روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۲۰۵] وی همچنین بیشترین شمار روایان را داشته است. اربلی شمار روایت کنندگان از او را ۴۰۰۰ تن دانسته است. [اربلی، کشف الغمة، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۷۰] به گفته ابان بن تغلب شیعیان هرگاه در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله اختلاف نظر پیدا می کردند، به سخن حضرت علی علیه السلام تمسک می کردند و آنگاه که در سخن علی اختلاف نظر داشتند، به سخن امام صادق علیه السلام رجوع می کردند. [نجاشی، رجال نجاشی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۲] به جهت نقل بیشترین روایات فقهی و کلامی از امام صادق علیه السلام، مذهب شیعه امامی را مذهب جعفری نیز می خوانند. [شهیدی، زندگانی امام صادق، ۱۳۸۴ش، ص ۶۱] امروزه امام صادق علیه السلام به نام رئیس مذهب جعفری مشهور است. [نجفی، «امام صادق علیه السلام رئیس مذهب جعفری»، سایت سازمان تبلیغات اسلامی، تایخ درج: ۹ شهریور ۱۳۹۲، تاریخ بازدید: ۱۰ آبان ۱۳۹۶]

در سال ۱۳۷۸ق، شیخ محمود شلتوت رئیس دانشگاه الأزهر مصر، در پی

مکاتباتی با آیت الله بروجردی، مذهب جعفری را به رسمیت شناخت و عمل به آن را به لحاظ شرعی جایز شمرد. [بی آزار شیرازی، همبستگی مذاهب اسلامی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۴۴]. «فتوای تاریخی شیخ شلتوت مفتی اعظم عالم تسنن و رئیس دانشگاه الأزهر مصر»، درس هایی از مکتب اسلام، ش ۳، ۱۳۳۸]

مناظرات و گفتگوهای علمی

در متون حدیثی شیعه، مناظرات و گفتگوهایی میان امام صادق علیه السلام و متکلمان مذاهب دیگر و نیز برخی از منکران وجود خدا گزارش شده است. [کلینی، اصول کافی، ج ۱، ۱۴۰۷ق، ص ۷۹، ۸۰، ۱۷۱-۱۷۳؛ شیخ مفید، اختصاص، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۹، ۱۹۰] در برخی از مناظرات، شاگردان امام صادق علیه السلام در حضور وی در زمینه ای که تخصص داشته اند، با دیگران مناظره کرده اند. در این جلسات امام صادق علیه السلام بر مناظره نظارت کرده و گاه خود نیز وارد بحث شده است. [کلینی، اصول کافی، ج ۱، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۱-۱۷۳] برای مثال در گفتگو با عالمی اهل شام که خود درخواست مناظره با شاگردان امام صادق علیه السلام را داشت، امام از هشام بن سالم خواست تا در زمینه کلام با او گفتگو کند. [کلینی، اصول کافی، ج ۱، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۱-۱۷۳] همچنین از فردی که قصد مناظره با او را داشت، خواست تا در هر زمینه ای که می خواهد، ابتدا با شاگردانش گفتگو کند و در صورت غلبه بر آنها با او مناظره کند. آن فرد در زمینه قرآن با حمران بن أعین، در زمینه ادبیات عربی با ابان بن تغلب، در فقه با زراره و در کلام با مؤمن الطاق و هشام بن سالم مناظره کرد و مغلوب شد. [کشی، رجال کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۷۵-۲۷۷]

احمد بن علی طبرسی در کتاب الاحتجاج مجموعه ای از مناظرات امام صادق علیه السلام را گرد آورده است که برخی از آنها عبارت است از:

مناظره با یکی از منکران خدا درباره وجود خدا [طبرسی، احتجاج، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۳۱-۳۳۳]

مناظره با ابوشاکر دینانی، درباره وجود خدا [طبرسی، احتجاج، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۳۵، ۳۳۶]

مناظره با ابن ابی العوجاء درباره وجود خدا [طبرسی، احتجاج، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۳۶]

مناظره ای طولانی با یکی از منکران وجود خدا درباره مسائل مختلف دینی [طبرسی، احتجاج، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۳۶، ۳۵۲]

مناظره با ابوحنیفه درباره شیوه استنباط احکام فقهی، به ویژه قیاس [طبرسی، احتجاج، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۴۰-۳۴۲]

مناظره با برخی از علماء معتزله درباره شیوه انتخاب حاکم و برخی احکام فقهی [طبرسی، احتجاج، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۶۲-۳۶۴]

سیره سیاسی

حیات امام صادق علیه السلام، با خلافت ده خلیفه آخر بنی امیه از جمله عمر بن عبدالعزیز و هشام بن عبدالملک و دو خلیفه نخست عباسی، سفاح و منصور دوانیقی هم زمان بود. [زندگانی امام صادق، ۱۳۷۸ش، ص ۴] او در سفر امام باقر علیه السلام به شام که به درخواست هشام بن عبدالملک صورت گرفت، همراه پدر بود. [زندگانی امام صادق، ۱۳۷۸ش، ص ۶] در امامت امام صادق علیه السلام، پنج خلیفه آخر اموی یعنی از هشام بن عبدالملک به بعد و سفاح و منصور خلفاء عباسی حکومت کردند. [زندگانی امام صادق، ۱۳۷۸ش، ص ۴]

دوری از قیام مسلحانه

به رغم آنکه امامت امام صادق علیه السلام با ضعف و فروپاشی امویان همراه بود،



ویژه نامه

شهادت امام جعفر صادق علیه السلام



به کارگیری شیوه تقیه

به جز دهه سوم قرن دوم قمری که با فروپاشی خلافت بنی امیه هم زمان بود، خلفای اموی و عباسی همواره فعالیت های امام صادق علیه السلام و یارانش را زیر نظر داشتند. فشارهای سیاسی در اواخر زندگی امام صادق علیه السلام بیش از پیش شد. [جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ۱۳۹۳ ش، ص ۴۳۵] طبق برخی روایات مأموران منصور دوانیقی کسانی را که با شیعیان امام صادق علیه السلام در ارتباط بودند، شناسایی می کردند و گردن می زدند. از این رو امام صادق علیه السلام و یارانش از روش تقیه استفاده می کردند. [جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ۱۳۹۳ ش، ص ۴۳۵]

امام صادق به سفیان ثوری که به دیدار او آمده بود، توصیه کرد به جهت آنکه هردوی آنها را حکومت تحت نظر گرفته است، برود. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۲۴۸] در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام از ابان بن تغلب خواسته است که در پاسخ به پرسش های فقهی مردم، برای آنکه مشکلی پیش نیاید، دیدگاه های علماء اهل سنت را برای شان نقل کند. [رجال کشی، ص ۳۳۰] همچنین روایاتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که بر تقیه تأکید می کنند. در برخی از آنها تقیه در جایگاهی برابر با نماز قرار گرفته است. [فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ۱۳۷۵ ش، ج ۲، ص ۲۹۳]

خصوصیات اخلاقی

در منابع روایی در زمینه ویژگی های اخلاقی امام صادق علیه السلام گزارش هایی از زهد، انفاق، علم فراوان، عبادت بسیار و تلاوت قرآن آمده است. محمد بن طلحه، امام صادق علیه السلام را از بزرگترین افراد اهل بیت، دارای علم فراوان، بسیار اهل عبادت و زهد و تلاوت قرآن توصیف کرده است. [اربلی، کشف الغمه، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۶۹۱] مالک بن انس از ائمه فقهی اهل سنت گفته است: در مدتی که پیش امام صادق علیه السلام می رفتم، همیشه او را در یکی از سه حالت نماز خواندن، روزه داری و ذکر گفتن دیده ام. [مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷، ص ۱۶]

به گزارش بحار الانوار امام در پاسخ به درخواست فقیری، چهارصد درهم به او داد و چون سپاس گذاری او را دید، انگشترش را هم که ده هزار درهم می ارزید، به وی بخشید. [مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷، ص ۶۱] روایت هایی نیز از انفاق های پنهانی امام صادق علیه السلام در دست است. به نوشته کتاب کافی، او شب ها مقداری نان و گوشت و پول در کیسه می ریخت و به صورت ناشناس به در خانه تهیدستان شهر می برد و میان آنها تقسیم می کرد. [کلینی، کافی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۸] ابو جعفر خثعمی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام کیسه پولی را به او داد و از او خواست آن را به فردی از بنی هاشم بدهد و نگوید که چه کسی آن را فرستاده است. به گفته خثعمی هنگامی که آن فرد پول را گرفت، برای فرستنده آن دعا کرد و از امام صادق علیه السلام گله کرد که با وجود ثروتش چیزی به او نمی دهد. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ ش، ج ۴، ص ۲۷۳]

سفر به عراق

امام صادق علیه السلام در زمان حکومت سفاح و نیز حکومت منصور دوانیقی به علت احضار حکومت، سفرهایی را به عراق داشته است. او در این سفرها به کربلا، نجف، کوفه و حیره هم رفته است. [ظفر، الامام الصادق، مؤسسة النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۳۰] محمد بن معروف هلالی نقل کرده است که در سفر امام صادق علیه السلام به حیره، مردم به شدت از او استقبال کرده اند؛ به گونه ای که تا چند روز به جهت ازدحام مردم، نتوانسته است امام را ملاقات

وی از درگیری های نظامی و سیاسی دوری جست و حتی دعوت به خلافت را نپذیرفت. شهرستانی گزارش کرده است که ابومسلم خراسانی پس از مرگ ابراهیم امام، در نامه ای امام صادق علیه السلام را شایسته ترین فرد برای خلافت خواند و از او دعوت کرد تا خلافت را بپذیرد؛ اما امام صادق علیه السلام در پاسخ نوشت: «نه تو از یاران منی و نه زمانه، زمانه من است». [شهرستانی، الملل والنحل، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۷۹] او پاسخ دعوت ابومسلمه برای خلافت را نیز با سوزاندن نامه اش داد. [مسعودی، مروج الذهب، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۲۵۴] وی همچنین در قیام هایی که بر ضد حکومت روی داد، از جمله قیام عمویش زید بن علی، شرکت نکرد. [پاکتچی، «امام جعفر صادق»، ص ۱۸۳، ۱۸۴] بر طبق حدیثی، امام صادق علیه السلام نبود یاران راستین را علت خودداری از قیام شمرده است. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ ش، ج ۴، ص ۲۳۷]

اختلاف با عبدالله بن حسن مثنی

در سال های پایانی حکومت بنی امیه، گروهی از بنی هاشم از جمله عبدالله بن حسن مثنی و پسرانش و سفاح و منصور در ابواء جمع شدند تا برای قیام برضد حکومت، با یکی از خودشان بیعت کنند. در این جلسه عبدالله پسرش محمد را مهدی معرفی کرد و از حاضران خواست با او بیعت کنند. امام صادق علیه السلام وقتی از این داستان مطلع شد، گفت: پسر تو مهدی نیست و اکنون نیز هنگام ظهور مهدی نیست. عبدالله از سخنان وی خشمگین شد و او را به حسادت متهم کرد. امام صادق علیه السلام قسم خورد که از روی حسادت سخن نمی گوید و گفت که پسران او کشته می شوند و خلافت به سفاح و منصور می رسد. [ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۱۹۸۷ م/۱۴۰۸ ق، ص ۱۸۵، ۱۸۶] رسول جعفریان ریشه اختلاف میان فرزندان امام حسن علیه السلام و فرزندان امام حسین علیه السلام را همین داستان دانسته است. [جعفریان، حیات فکری سیاسی امامان شیعه، ۱۳۹۳ ش، ص ۳۷۱]

رابطه با حاکمان

با وجود دوری امام صادق علیه السلام از قیام مسلحانه برضد حکومت ها، وی روابط حسنه ای با حاکمان زمان خود نداشته است. زمانی که همراه پدرش امام محمد باقر علیه السلام به حج رفته بود، در مراسم حج، اهل بیت علیهم السلام را برگزیدگان خدا معرفی و به دشمنی خلیفه هشام بن عبدالملک با اهل بیت علیهم السلام اشاره کرد. [مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۶، ص ۳۰۶] وی در پاسخ به منصور دوانیقی که از او خواست مانند دیگر مردم نزد او برود، نوشت: ما چیزی نداریم که به جهت آن از تو بترسیم و تو چیزی از امور اخروی نداری که ما به جهت آن به تو امیدوار باشیم و نه تو در نعمتی هستی که ما آن را به تو تبریک گوئیم و نه باور داری که در مصیبتی هستی که آن را به تو تسلیت گوئیم. پس چرا نزد تو بیاییم؟! [مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۷، ص ۱۸۴]

آتش زدن خانه امام صادق علیه السلام

بنابر روایتی از کتاب کافی، هنگامی که حسن بن زید والی مکه و مدینه بود، به دستور منصور عباسی، خانه امام صادق علیه السلام را آتش زد. طبق این روایت در این آتش سوزی در و دهلیز خانه امام علیه السلام در آتش سوخت و امام علیه السلام در حالی که از میان آتش عبور می کرد، از خانه خارج شد و گفت:

من فرزند اعراب الثری (لقب حضرت اسماعیل) هستم. من فرزند ابراهیم خلیل الله هستم. [کلینی، کافی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۷۳]

البته طبری نوشته است که منصور در سال ۱۵۰ ق یعنی دو سال پس از شهادت امام صادق علیه السلام، حسن بن زید را حکمران مدینه کرده است. [طبری، تاریخ طبری، روائع التراث العربی، ج ۸، ص ۳۲]



امالی، ص ۱۶۹؛ علل الشرایع ص ۲۳۴] مالک بن انس در کتاب مَوْظَأً از امام صادق علیه السلام حدیث نقل کرده است. [مالک بن انس، موطأ، ۱۴۲۵ق، ص ۱۰] ابن حجر هیتمی نوشته است عالمان بزرگ اهل سنت، چون یحیی بن سعید، ابن جریر، مالک بن انس، سفیان بن عیینه، سفیان ثوری، ابوحنیفه، شعبه بن الحجاج و ایوب سختیانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند. [ابن حجر الهیتمی، الصواعق المحرقة، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۵۸۶] در کتاب الائمه الاربعه هم حضور مالک بن انس در مدینه و استفاده از درس کسانی چون امام صادق علیه السلام، از عوامل رشد علمی او شمرده شده است. [الائمة الاربعه، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۸]

احادیث مشهور

حدیث توحید مُفَضَّل: توحید مُفَضَّل حدیثی طولانی است که امام صادق علیه السلام آن را در چهار جلسه به مُفَضَّل بن عمر املاء کرده است. [مفضل بن عمر، توحید مفضل، ترجمه میرزایی، ۱۳۷۳ش] در این حدیث از مسائلی چون آفرینش جهان، خلقت انسان، شگفتی‌های جهان حیوانات، شگفتی‌های آسمان و زمین، حقیقت مرگ و فلسفه خلقت انسان سخن به میان آمده است. [مفضل بن عمر، توحید مفضل، ۱۳۷۳ش]

حدیث عنوان بصری: در حدیث عنوان بصری، امام صادق علیه السلام پس از تعریف عبودیت، دستورالعمل‌هایی را در زمینه‌های ریاضت نفس، بردباری و علم، به شخصی به نام عنوان بصری گفته است. [مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۲۶]

مقبوله عُمَرُ بن حَنْظَلَه: [کلینی، کافی، ج ۱، ص ۶۷] برخی از فقیهان شیعه، از این حدیث معیارهایی برای حل تعارض روایات به دست آورده‌اند [شیخ انصاری، فرائد الاصول، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۵۹-۶۱] طرفداران نظریه ولایت فقیه برای اثبات آن به این حدیث استناد می‌کنند. [امام خمینی، الحکومة الاسلامیه، ۱۴۲۹ق/۲۰۰۸م، ص ۱۱۵-۱۲۱؛ مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، ۱۳۹۱ش، ص ۱۰۰]

دیدگاه اهل سنت درباره امام صادق

امام صادق علیه السلام نزد بزرگان اهل سنت جایگاه بالایی داشته است. ابوحنیفه از پیشوایان اهل سنت، امام صادق علیه السلام را فقیه‌ترین و داناترین فرد در میان مسلمانان دانسته است. [ذهبی، تذکرة الحفاظ، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۲۶] به گفته ابن ابی الحدید علماء اهل سنت از جمله پیشوایان فقهی آنان چون ابوحنیفه، احمد بن حنبل و شافعی با واسطه یا بی‌واسطه شاگرد امام صادق علیه السلام بوده‌اند و از این رو فقه اهل سنت در فقه شیعه ریشه دارد. [ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۸] با این همه، در فقه اهل سنت، با وجود توجه فراوان به فقیهان معاصر امام صادق علیه السلام چون اوزاعی و سفیان ثوری، به دیدگاه‌های او توجه نشده است. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام»، امام، ص ۲۰۶] برخی از علماء شیعه چون سید مرتضی بدین جهت به علماء اهل سنت انتقاد کرده‌اند. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام»، امام، ص ۲۰۶]

شهادت

شیخ صدوق تصریح کرده است که امام صادق علیه السلام به دستور منصور دوانیقی و بر اثر مسمومیت به شهادت رسیده است. [ابن بابویه، اعتقادات الامامیه، ۱۳۸۹ش، ص ۹۸] ابن شهر آشوب نیز در مناقب و صاحب دلائل الامامه نیز همین نظر را مطرح کرده‌اند. [ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۸۰؛ محمد بن جریر طبری، دلائل الامامه، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۶]

کند. [مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۴۷، ص ۹۳، ۹۴] محراب امام صادق علیه السلام در مسجد کوفه که در بخش شرقی مسجد، نزدیک قبر مسلم بن عقیل قرار دارد و محراب او در مسجد سهله از جمله یادگارهای وی در عراق است. [مظفر، الامام الصادق، مؤسسة النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۱۲۹] امام صادق قبر امام حسین علیه السلام در کربلا را زیارت کرده است. [ظفر، الامام الصادق، مؤسسة النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۱۳۰] در ساحل رود حسینیّه در کربلا، بنایی است که محرابی منسوب به امام صادق علیه السلام در آن قرار دارد. [مظفر، الامام الصادق، مؤسسة النشر الاسلامی، ج ۱، ص ۱۳۰]

نشان دادن قبر حضرت علی علیه السلام

در برخی روایات از زیارت‌های امام صادق علیه السلام از قبر امام علی علیه السلام سخن آمده است. [شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۵ و ۳۶] او قبر امام علی علیه السلام را که تا پیش از آن پنهان بود، به یارانش نشان داد. به گفته کلینی، وی روزی یزید بن عمرو بن طلحه را به مکانی میان حیره و نجف برد و قبر حضرت علی علیه السلام را به او نشان داد. [کلینی، کافی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۷۱] شیخ طوسی نیز گفته است: امام صادق علیه السلام نزد قبر امام علی آمد، نماز خواند و به یونس بن ظبیان گفت: این مزار امیر المؤمنین است. [شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۵]

شاگردان و روایان

شیخ طوسی در رجال خود از حدود ۳۲۰۰ راوی برای امام صادق علیه السلام نام می‌برد. [طوسی، اختیار معرفة الرجال، مؤسسة آل البيت، ج ۲، ص ۴۱۹-۴۷۹] شیخ مفید در کتاب الارشاد شمار روایان او را به چهار هزار نفر می‌رساند. [مفید، الارشاد، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۵۴] گفته‌اند ابن عقده کتابی در خصوص روایان امام صادق علیه السلام داشته است که در آن نام ۴۰۰۰ راوی آمده است. [محدث قمی، الکنی و الالقاب، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۵۸]

بیشتر نویسندگان اصول اربعمائه (اصول چهارصدگانه شیعه)، شاگردان امام صادق علیه السلام بوده‌اند. [پاکتچی، «جعفر صادق، امام»، ص ۱۸۷] همچنین در مقایسه با دیگر ائمه، وی بیشترین شاگرد را از میان اصحاب اجماع داشته است که مورد اعتمادترین روایان ائمه هستند. [پاکتچی، «جعفر صادق، امام»، ص ۱۸۷] برخی از مشهورترین شاگردان امام صادق علیه السلام عبارتند از:

زُرَّارَةُ بن أعین، بُرَید بن معاویه، جَمیل بن دَرَّاج، عبدالله بن مُسکان، عبدالله بن بُکَیر، حَمَّاد بن عثمان، حماد بن عیسی، أبان بن عثمان، عبدالله بن سنان، ابو بصیر، هشام بن سالم و هشام بن حَکَم اند

از روایتی که گشتی درباره مناظره شاگردان امام صادق علیه السلام نقل کرده است، به دست می‌آید که برخی شاگردان او در زمینه‌های خاصی تخصص داشته‌اند.

[پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۹۹] طبق این روایت حُمران بن أعین در علوم قرآنی، أبان بن تغلب در ادبیات عرب، زُرَّار در فقه و مؤمن الطلاق و هشام بن سالم در کلام تخصص داشته‌اند. [کشی، رجال کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۷۵-۲۷۷] برخی دیگر از شاگردان امام صادق علیه السلام که در زمینه کلام تخصص داشتند، عبارت‌اند از حُمران بن أعین، قیس ماصِر و هشام بن حَکَم. [پاکتچی، «جعفر صادق علیه السلام، امام»، ص ۱۹۹]

اهل سنت

برخی از علماء و ائمه فقهی اهل سنت، شاگردان امام صادق علیه السلام بوده‌اند. شیخ صدوق از مالک بن انس نقل کرده است که وی مدتی نزد امام صادق علیه السلام می‌رفته و از او حدیث می‌شنیده است. [صدوق، خصال، ص ۱۶۸؛ صدوق،



ویژه نامه شهادت امام جعفر صادق علیه السلام



تالیفات امام صادق

در برخی از کتاب‌های حدیثی شیعه رساله‌ها یا نامه‌های بلندی از امام صادق علیه السلام گزارش شده است. در صحت بعضی از آنها تردید هست، اما بعضی دیگر درکتبی چون کافی آمده و از اعتبار بالایی برخوردارند. برخی از این رساله‌ها عبارت‌اند از: رساله امام صادق علیه السلام به اصحاب. این رساله شامل توصیه‌هایی به شیعیان در زمینه‌های مختلف است و در کتاب کافی آمده است. رساله شرایع الدین به روایت اعمش. این رساله درباره اصول و فروع دین است. آن را ابن بابویه نقل کرده است. قطعه‌ای از یک نامه در زمینه تفسیر و قطعه‌ای از یک نامه به اهل قیاس در نقد آنان و الرسالة الأهوازیه. این نامه برای نجاشی والی اهواز نوشته شده است. متن آن در کتاب کشف الریبه نوشته شهید ثانی آمده است. توحید الْمُفَصَّل یا کتاب فِکْر. این رساله حاصل سخنان امام صادق علیه السلام درباره خداشناسی برای مُفَصَّل بن عمر است که به جهت تکرار عبارت «فِکْر یا مُفَصَّل» (فکر کن ای مُفَصَّل) در آن، در گذشته به «کتاب فِکْر» شهرت داشت. رساله آهللیجه. در این رساله امام صادق علیه السلام با پزشکی هندی درباره اثبات وجود خدا گفتگو کرده است.

متن مشهور به تفسیر امام صادق علیه السلام و تفسیر النعمانی. [پاکتچی، «جعفر صادق، امام»، ص ۲۱۸، ۲۱۹] کتاب‌هایی نیز وجود دارد که شاگردان امام صادق علیه السلام از سخنان او تألیف کرده‌اند. برخی از آنها که به چاپ رسیده‌اند، عبارت‌اند از: «الجعفریات» یا «الأشعثیات» نوشته محمد بن محمد بن اشعث و نثر الدرر. متن این کتاب را ابن شعبه خزّانی در تحف العقول آورده است. الحِکْم الجعفریه مجموعه‌ای از کلمات قصار (جملات کوتاه) به روایت سلمان بن ایوب که متن آن در کتاب فرائد السمّطین جوینی آمده است. [پاکتچی، «جعفر صادق، امام»، ص ۲۱۸، ۲۱۹]

سیدابن طاووس، اقبال الاعمال، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۱۴] در مقابل شیخ مفید معتقد است که دلیل قاطعی بر چگونگی شهادت آن حضرت وجود ندارد. [مفید، تصحیح اعتقادات الامامیه، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۱ و ۱۳۲]

وصیت امام صادق

بنابر احادیث، امام صادق علیه السلام بارها امام کاظم علیه السلام را به عنوان امام بعد از خود به اصحاب خاصش معرفی کرده بود؛ [کشی، رجال کشی، ص ۲۸۲، ۲۸۳] اما به جهت سخت‌گیری‌های عباسیان و به منظور حفظ جان امام کاظم علیه السلام، پنج نفر، از جمله خلیفه عباسی را وصی خود معرفی کرد. [پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۴۱۴] از این رو برخی از اصحاب برجسته امام صادق علیه السلام مانند مؤمن طاق و هشام بن سالم نیز درباره جانشین امام صادق علیه السلام مردد بودند. آنان ابتدا سراغ عبدالله افطح رفتند و از او سؤالاتی پرسیدند؛ اما پاسخ‌های عبدالله آنها را قانع نکرد. سپس با موسی بن جعفر علیه السلام ملاقات کردند و با پاسخ‌های وی قانع شدند و امامت او را پذیرفتند. [کشی، رجال کشی، ص ۲۸۲، ۲۸۳]

انشعاب در شیعه

پس از شهادت امام صادق علیه السلام فرقه‌های مختلفی در شیعه به وجود آمد. گروهی از شیعیان، مرگ اسماعیل پسر امام صادق علیه السلام را انکار کرده، او را امام می‌دانستند. شماری از این گروه، که از حیات اسماعیل مایوس شدند، پسر اسماعیل، محمد را امام دانستند. این گروه به اسماعیلیه شهرت یافتند. برخی دیگر عبدالله افطح را امام دانسته، به فطحیه مشهور شدند؛ اما پس از مرگ او که حدود ۷۰ روز پس از شهادت امام صادق علیه السلام رخ داد، به امامت موسی بن جعفر معتقد شدند. شماری نیز به پیروی از شخصی به نام ناووس در امامت حضرت صادق علیه السلام توقف کردند و فرقه ناووسی را به وجود آوردند. عده‌ای هم به امامت محمد دیباج معتقد شدند. [نوبختی، فرق الشیعه، ص ۶۶-۷۹]



